

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصلی اللہ علی محمد وآلہ الطاہرین

مطالعات قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث

سال هفتم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر حسین علی سعدی

سر دبیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی استاد دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتنچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فردوسی
عبدالهادی فقهی زاده دانشیار دانشگاه تهران
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

دوفصلنامه «مطالعات قرآن و حدیث» در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۴ و طی نامه شماره ۳/۱۸۱۷۲۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از شماره ۹ موفق به اخذ اعتبار علمی - پژوهشی شده است و مقالات آن در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.sid.ir پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.magiran.com بانک اطلاعات نشریات کشور

ویراستار انگلیسی: دکتر محمود کریمی / ویراستار عربی: دکتر محمدجواد صادقی مجد

۲۳۰ صفحه / ۵۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، نمابر: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

<http://quran.sadiqjournals.ir>

امور فنی و توزیع: معاونت پژوهشی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، نمابر: ۸۸۵۷۵۰۲۵، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: mag@isu.ac.ir

روش شیخ کلینی در طبقه‌بندی روایات کافی

سید مهدی لطفی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۶

چکیده

روش طبقه‌بندی احادیث متأثر از نظام طبقه‌بندی در هر دوره‌ای است که مؤلفان کتب با در نظر گرفتن روش‌های مرسوم در عصر خویش به طبقه‌بندی احادیث می‌پردازند. کلینی جزء محدثانی است که در طبقه‌بندی احادیث کتاب شریف «کافی» از روش طبقه‌بندی عصر خود یعنی طبقه‌بندی مفهومی آموزه‌های حدیثی بهره گرفته است. اصل انتخاب و گزینش مفاهیم کلیدی کافی نیز مبتنی بر ضرورت‌ها و مسائل مطرح در زمان تألیف آن است. مهمترین محورهایی که از مقدمه کافی قابل استخراج هستند عبارت است از: عقل و جهل، فضل علم، ضرورت تمسک به سنت و قرآن، توحید، نبوت و امامت، آداب و فرائض و احکام. کلینی با تکیه بر نقش ابزاری عقل، بر تمسک به کتاب و سنت و اخذ معارف از آنها تأکید دارد و کتاب و عقل و جهل و فضل علم را مقدمه‌ای بر مباحث توحید، امامت و اخلاق و احکام قرار داده است. کلینی جامع حدیثی خویش را به شیوه درختی از کل به جزء یا از اصل به فرع تنظیم کرده است.

واژگان کلیدی

حدیث، کافی، کلینی، روش‌های طبقه‌بندی، طبقه‌بندی احادیث

M.lotfi@ltr.ui.ac.ir

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با نام «ملاکها و معیارهای کلینی در طبقه‌بندی احادیث کافی» می‌باشد که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان انجام شده است.

طرح مسئله

طبقه در لغت به معنای گروه، صف و رده است^۱ و طبقه‌بندی به معنای صف‌بندی، تبویب و رده‌بندی کردن است. (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۳۳، صص ۱۶۴-۱۶۵) طبقه‌بندی در اصطلاح به معنی کنار هم قرار دادن اشیاء بر اساس خواص یا ویژگی‌های مشترک آنهاست. (مارسلا و آرتور، ۱۳۸۶ش، صص ۲۰-۲۳)

مطابق تعریف دیگری طبقه‌بندی مرتب‌سازی و تنظیم اشیاء یا افکار بر پایه ما به الاشتراکات و ما به الامتیازات ذاتی یا صفاتی، حقیقی یا مجازی آنهاست. (داودی، ۱۳۷۰، صص ۲۷۱-۳۰۱)

موضوع طبقه‌بندی در جهان اسلام در پی ترجمه کتب مختلف به زبان عربی و گسترش کمی و کیفی علوم ضرورت یافت. یکی از جریان‌های تأثیرگذار در این زمینه نهضت ترجمه بود. نهضت ترجمه که از اواسط قرن دوم تا پایان قرن چهارم ادامه داشت، سبب انتقال میراث علمی بشر در حوزه علوم مختلف به زبان عربی شد. (سجادی، ۱۳۶۰، صص ۲۰-۲۱) با در نظر گرفتن شروع نهضت ترجمه، قرن دوم را می‌توان قرن آغاز طبقه‌بندی در حوزه علوم اسلامی دانست. البته برخی از محققان نقطه شروع طبقه‌بندی در حوزه اسلامی را قرن سوم می‌دانند (نصر، ۱۳۵۰، ص ۶۶) که با توجه به وجود کتب مبوّب روشمند از قرن دوم، چنین نظری بعید می‌نماید.

در حوزه احادیث، موضوع طبقه‌بندی احادیث و تبویب و تنظیم آنها از سده اول هجری مطرح بود و در قرن دوم در اثر انتقال علوم به جهان اسلام و گسترش روش‌های طبقه‌بندی، طبقه‌بندی احادیث و چگونگی تبویب آنها نیز دچار تحول شد. محدثان اهل سنت، سبک‌های مختلف نگارشی همچون مسندنویسی، مصنف‌نویسی، سنن و جامع‌نگاری را تجربه کردند و در درون این گونه‌های نگارشی قواعد مختلف طبقه‌بندی بکار گرفته شد. در فضای حدیثی شیعه نیز سبک‌های مختلف نگارشی بکار گرفته شد و قواعد طبقه‌بندی نیز مورد استفاده قرار گرفت. این روند طبقه‌بندی در کتب اربعه بویژه درباره کافی مورد توجه علما قرار گرفته است.

برخی بر این باورند که تبویب و تنظیم احادیث کلینی بر اساس موضوعات صورت گرفته است. کلینی با مدنظر قرار دادن روش موضوعی کتاب خود را به سه

بخش اصول، فروع و روضه تقسیم کرده است. بر پایه این روش، اصول و فروع به گونه تنظیم درختی، دارای چند کتابند که هر یک از این کتب دربر دارنده چند باب و هر باب نیز حاوی چند حدیث است. (حجت، ۱۳۸۸، ص ۳۴)

اما در اساس تقسیم بندی کافی به سه کتاب اصول، فروع و روضه توسط خود کلینی صورت نگرفته است و حتی تا چندین سده پس از کلینی نیز چنین تقسیم بندی شناخته شده نبوده است.

مطابق نظر برخی از محققان پیشینه این نام گذاری فراتر از سده یازدهم نمی‌رود. کهن‌ترین گزارش در این زمینه کلام ملا محمد امین استرآبادی (۱۰۳۳ق) در «الفوائد المدنیه» است که اشاره به «اصول کافی» دارد. پس از وی اشاره سید محمد تقی موسوی (۱۰۹۴ق) به اصول و فروع کافی است که در خاتمه گردآوری حواشی سید بدرالدین عاملی ذکر شده است. (حسین پوری، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۲۱)

از این رو نمی‌توان تقسیم‌بندی مذکور را طبقه‌بندی مؤلف دانست و بر پایه آن اندیشه وی را کشف کرد. با در نظر گرفتن این مسأله، نکته مهم درباره طبقه‌بندی کافی، چگونگی و چرایی تنظیم کتب و ابواب این کتاب است. این مقاله با بررسی روش کلینی در طبقه‌بندی کتب و ابواب در صدد دستیابی به ضرورت‌هایی است که کلینی را به چنین طبقه‌بندی واداشته است.

۱. روش‌های طبقه‌بندی احادیث

طبقه‌بندی در حوزه حدیثی می‌تواند به روش‌های مختلفی صورت پذیرد که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۱. طبقه‌بندی بر اساس مفاهیم و آموزه‌های حدیثی

اساس این روش، بر طبقه‌بندی مفهومی است. محدثان بر اساس مفاهیم و موضوعات مطرح در احادیث، دست به گردآوری آنها در کتب و ابواب می‌زدند. در بین مفاهیم حدیثی، مفاهیم کلیدی، نقش شناسه برای اجزاء موضوع دارند و مبنای طبقه‌بندی هستند. برای دستیابی به این مفاهیم و آموزه‌ها، می‌توان به دو روش «استخراجی»^۲ و «تبیینی»^۳ عمل کرد.

روش استخراجی مبتنی بر استخراج مفاهیم و آموزه‌ها از منابع موجود بر پایه روش‌هایی همچون تحلیل محتوا درباره موضوع طبقه‌بندی است. و روش تبیینی که همسان‌یابی مفاهیم و آموزه‌ها و تبیین آن در ساختار رایج تعلیمی در منابع در دسترس موضوع طبقه‌بندی است. (نک: پاکتچی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴)

محدثان بر پایه روش استخراجی دست به استخراج مفاهیم کلیدی روایات می‌زدند و آنها را در ضمن مفاهیم و موضوعات مختلفی طبقه‌بندی می‌کردند. تقدم و تأخر در موضوعات و جایگاه آنها در طبقه‌بندی در کتب نیز تابع قواعدی است که محدثان در طول تاریخ بدان اهتمام داشته‌اند. از جمله این قواعد می‌توان به عموم و خصوص، توقف (اناطه) و اشرفیت (عراقی، ۱۳۵۸، صص ۲۷-۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹، صص ۲۰-۲۱) اشاره کرد. این قواعد در طبقه‌بندی علوم و طبقه‌بندی کتب و ابواب کتاب کاربرد داشته است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱. عموم و خصوص

مطابق این قاعده حرکت از موضوعات عام به موضوعات خاص است. در واقع موضوعات خاص از موضوعات عام مشتق می‌شوند. (عراقی، ۱۳۵۸، ص ۲۷؛ خاکساری، ۱۳۶۹، ص ۲۰)

برخی این قاعده را به عنوان تعریف علم طبقه‌بندی نیز در نظر گرفته‌اند. از جمله «طاش کبری زاده» عالم اسلامی قرن ده هجری علم طبقه‌بندی را علمی می‌داند که به دنبال مراتب و درجات موضوعات از اعم به اخص است تا بدین وسیله موضوع علمی که در ضمن اعم قرار گرفته است، حاصل شود. (طاش کبری زاده، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۵) قاعده عموم و خصوص که عده‌ای از آن با عنوان «اصل و فرع» نیز یاد کرده‌اند، از مهمترین قواعد در حوزه تنظیم طبقه‌بندی‌هاست. این قاعده از جمله قواعد کاربردی است که امروزه نیز در طبقه‌بندی‌های مختلف نظری و عملی استفاده می‌شود. (عراقی، ۱۳۵۸، ص ۲۷؛ خاکساری، ۱۳۶۹، ص ۲۱)

۲-۱-۱. توقف یا اناطه

مطابق این قاعده برخی از علوم حالت مقدمه‌ای برای دیگر علوم دارند. از این رو تعلیم و تعلم در برخی از علوم متوقف بر اطلاع و آگاهی از دیگر علوم است. به طور مثال ورود به علم بلاغت و تعلیم و تعلم در آن منوط به آگاهی از علم صرف و نحو است یا علم اصول پیش شرط ورود به فقه است و بدون آگاهی از علم اصول فقه امکان استنباط صحیح احکام وجود ندارد. این قاعده در نظام تعلیم و تربیت مدارس اسلامی رعایت شده است و همین قاعده در طبقه‌بندی علوم نیز وارد شده و اغلب بکار گرفته شده است. (عراقی، ۱۳۵۸، ص ۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹، ص ۲۱)

۳-۱-۱. اشرفیت

اشرفیت، قاعده‌ای است که ترتیب طبقه‌بندی علوم را بر اساس شرف آن علم و اهمیت موضوع آن در نظر می‌گیرد. اشرفیت یک علم نیز از چند طریق قابل دستیابی است:

۱- به دلیل شرف موضوع آن علم؛ مانند علم تفسیر که به دلیل موضوع خود که کلام خداست، بر علم حدیث که کلام خلق است، اشرفیت دارد. این قاعده در اکثر طبقه‌بندی‌ها لحاظ شده است.

۲- به دلیل شرف غایت و هدف علم؛ به طور مثال علم طب از این جهت بر علم نحو اشرفیت دارد.

۳- به دلیل میزان نیازمندی؛ بر این اساس علم فقه که دربر دارنده قوانین اجتماعی و مصالح دین و دنیاست اشرف از علم تاریخ است. (عراقی، ۱۳۵۸، ص ۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹، ص ۲۱)

در طبقه‌بندی قدما یک یا دو مورد از این قواعد و گاه هر سه مورد بکار گرفته شده است. (خاکساری، ۱۳۶۹، ص ۲۱)

۲-۱. طبقه‌بندی بر اساس دانش‌های حدیثی

این روش مبتنی بر طبقه‌بندی بر اساس دانش‌های مختلف حدیثی از جمله درایه الحدیث، فقه الحدیث و رجال است. در این روش نیز دو راهکار استخراجی و تبیینی قابل استفاده است.

۱-۳. طبقه‌بندی بر اساس منابع و شرایط تحقق تاریخی

در این روش از طبقه‌بندی عوامل بیرونی مبنای طبقه‌بندی هستند. این گونه از طبقه‌بندی در زمانی اتفاق می‌افتد که تحقیقات در حوزه «موضوع طبقه‌بندی» توسعه کافی را پیدا نکرده‌اند و فاقد گویایی و اطمینان بخشی هستند. ویژگی‌های مربوط به منابع موجود درباره «موضوع طبقه‌بندی» می‌تواند مبنای طبقه‌بندی قرار گیرد که در ضمن این ویژگی‌ها می‌توان از زبانی که منابع به آن تألیف شده‌اند، یاد کرد. (پاکتچی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴)

۲. روش طبقه‌بندی کافی

کلینی بر اساس روش طبقه‌بندی مفهومی دست به طبقه‌بندی مفاهیم حدیثی زده است. اندیشه وی را می‌توان بر اساس روش طبقه‌بندی مفاهیم و آموزه‌های حدیثی تحلیل کرد. کلینی مفاهیم کلیدی مدنظر خود را در مقدمه بیان داشته است و این مفاهیم کلیدی را در طبقه‌بندی کتب و ابواب خود نمایان ساخته است. در مقدمه کتاب، کلینی واژه علم را ۲۰ بار، جهل را ۱۵ بار و عقل را ۸ بار بکار برده که حاکی از توجه زیاد وی به این مفاهیم است. تحلیل مفهومی مقدمه نیز چنین امری را اثبات می‌کند.

مقدمه کلینی دارای چند بخش است. بخش اولیه خطبه اولیه کتاب که دربر دارنده حمد و سپاس الهی و اشاره به نبوت پیامبر گرامی اسلام و امامت ائمه (ع) است. بخش دوم طرح نامه دوست خویش است. کلینی در دو قسمت به طرح مسائل موجود در نامه می‌پردازد، مطابق قسمت اول این نامه مسأله اصلی عصر وی جهالت مردم و دوری آنها از اهل علم است. مردمی که در نادانی به سر می‌برند و به ظاهر دین دارند و امور دین خودشان را به صورت دلبخواهی و بر پایه عادت، و تقلید از نیاکان و بزرگان و با تکیه بر عقل خود می‌گیرند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵)

کلینی به این بخش از نامه در دو جا پاسخ می‌دهد؛ یکجا در مقدمه و بار دیگر در تنظیم دو کتاب «کتاب العقل و الجهل» و «کتاب فضل العلم». وی در مقدمه با بیان این مسأله که مردم دو دسته‌اند: گروهی سالم و تندرست و گروهی زمین‌گیر و ضعیف، بر پایه عدل و حکمت الهی گروه سالم مورد امر و نهی الهی قرار گرفته‌اند تا بیهوده و مهممل نباشند و او را به بزرگی بستایند و اقرار به توحید داشته باشند. آیات الهی در

قرآن نیز این دسته را مأمور به قول حق کرده است و اجازه نادانی و جهل در قول حق را نداده و امر به تفقه در دین کرده است.

کلینی بر این نظر است که بهترین چیزی که عاقل می‌گیرد، علم به دین و شناخت روشی است که خدا خلقتش را به پرستش واداشته است که عبارت است: توحید الهی، احکام الهی و امر و نهی و آداب خود. شرط روش خداپرستی این است که آن را با علم و یقین انجام دهد تا این وظیفه نزد خداوند مورد پسند و موجب ثواب و پاداش بزرگ گردد. در صورتی که فرد جاهل باشد اعتماد به کار خود ندارد و خود هم باور ندارد که دینداری کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۵-۷)

بر این اساس کلینی شرط قبول اعمال و تکالیف را علم و یقین می‌داند و جهل را مانع قبولی و انجام تکالیف می‌داند. محور مهم در این بخش تمسک به قرآن و سنت است و همان گونه که معصوم فرموده‌اند: دین باید از کتاب و سنت گرفته شود. قرآن نیز مؤید امامت ائمه (ع) است. بنا بر فرموده معصوم هر کس که امر امامت ما را از قرآن نفهمد، فتنه‌ها را زیر پا نتواند گذاشت. کلینی دلیل چیره شدن کیش‌های فاسد و مذهب‌های زشت بر مردم زمان خود را نیز همین مسأله می‌داند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷)

قسمت دوم مطالب مطرح شده در نامه، موضوع اختلاف روایات و داشتن کتابی جامع در زمینه فنون علم دین است. کلینی قاعده اخذ یکی از احادیث اختلافی از باب تسلیم و رضا را بیان می‌دارد. در مجموع محورهای مطرح در مقدمه کافی را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: عقل و جهل، فضل علم، ضرورت تمسک به سنت و قرآن، توحید، نبوت و امامت، آداب و فرائض و احکام.

چنین چینی از کتب، در طبقه‌بندی کلینی از کتاب کافی نیز دیده می‌شود. عقل و جهل و فضل علم مقدمه‌ای بر کتاب کافی‌اند که پاسخ تفصیلی مباحث مقدمه است. در واقع برای تصحیح راه مردمی که جهل را پیشه خود ساخته و از علم و تعالیم کتاب و سنت فاصله گرفته‌اند، تبیین مفهوم عقل و جهل، و بیان فضیلت علم و عالمان ضروری است. همچنین خودسری و تکیه بر رأی و قیاس نیز آفت دیگری در جامعه آن زمان است که با مبنا قرار دادن کتاب و سنت می‌توان از شر چنین انحرافات در امان ماند و

کتاب و سنت تنها طرق دستیابی به مسائل دینی است. کلینی به گونه‌ای مقدمه‌وار تمام این موارد را در پاسخ درخواست دوست خویش در قالب دو کتاب «عقل و جهل» و «فضل العلم» ارائه می‌دهد.

برخی از شارحان نیز ماهیت مقدمه‌ای بودن بحث عقل و جهل را مطرح کرده‌اند. دقت در کتب کافی نیز حاکی از آن است که در بین کتب مختلف کافی، کتاب العقل و الجهل فاقد باب است که بر پایه اخبار آخر این کتاب نیز مشخص می‌شود که درباره عقل و جهل، کتابی مستقل تنظیم شده است که ذکر آنها در این مقدمه حالت مقدمه‌ای دارد. همچنین کتاب فضل علم نیز تتمیمی بر مقدمه‌ی مذکور است. (کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۱۵)

کلینی پس از ذکر مقدماتی در عقل و جهل و فضل علم و تبیین مبانی خود، وارد دیگر محورهای ذکر شده خود یعنی توحید، نبوت و امامت و اخلاق و آداب می‌شود که در کتب توحید، حجه، ایمان و کفر، دعا، فضل القرآن و کتاب العشره تجلی یافته است. محور فرائض و احکام نیز در فروع کافی قابل پیگیری است. مقدمه کلینی فاقد اشاره‌ای به مباحث روضه است و نمی‌توان ساختار روضه را بر اساس اندیشه‌های کلینی و ساختار مباحث کتاب تبیین کرد.

برای بررسی دقیق‌تر طبقه‌بندی کتب، ابواب و احادیث در ادامه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱-۲. طبقه‌بندی کتب اصول کافی

کافی با کتاب‌های «العقل و الجهل» و «فضل العلم» شروع می‌شود و پس از آن کتب اعتقادی قرار می‌گیرند که شامل توحید و امامت است. سپس به «کتاب الایمان و الکفر»، «کتاب الدعاء»، «کتاب فضل القرآن» و «کتاب العشره» می‌پردازد. ترتیب و تنظیم این کتب در این بخش مبتنی بر روش‌های طبقه‌بندی عصری است. دو کتاب «العقل و الجهل» و «فضل العلم» مبتنی بر روش اناطه یا توقفند. در واقع این کتب مقدمه‌ای برای ورود به مباحث بعدی هستند. در زیر به بررسی کتب اصول می‌پردازیم.

۲-۱-۱. کتاب العقل و الجهل

کلینی عقل را به عنوان نقطه شروع مباحث خود برگزیده است. در واقع وی راهبرد کلی خود را در ترسیم جایگاه عقل قرار داده است. عقل از زاویه روایات کافی، حجت الهی بر مردم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶)، برترین موهبت الهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۱۲-۱۳) راهنمای مؤمن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵)، مطیع فرمان الهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰) و نافرمان در برابر شیطان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱) است. عقل در شناخت خداوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱)، اثبات حجیت پیامبران (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵) امر و نهی و ثواب و عقاب (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰) نقش مؤثری دارد.

بر این اساس دایره تأثیر آن گسترده و وسیع است اما نقش آن صرفاً ابزاری و واسطه‌ای است. کلینی در کتاب فضل العلم در ضمن باب «الرد الی الکتاب و السنه» تأکید دارد که هر چیزی در کتاب و سنت است که از کنار هم قرار دادن این مطالب می‌توان دریافت که عقل ابزاری برای کشف معارف دینی است و برخلاف جریان‌های موجود در عصر کلینی نمی‌توان نقشی مستقل برای آن در نظر گرفت.

۲-۱-۲. کتاب فضل العلم

کتاب «فضل العلم» در صدد توجه دادن به علم و وجوب آن، صفت علم، ویژگی علماء و تبیین جایگاه عالم و متعلم و همچنین تأکید بر علم الهی متخذ از کتاب و سنت و نفی هر گونه علم متکی بر رأی و قیاس است. عنوان این کتاب در آثار پیش از کلینی نیز قابل مشاهده است. از جمله می‌توان از کتاب «فضل العلم و العلماء» تألیف حمید بن زیاد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۲) و کتاب «فضل العلم و آداب» از علی بن محمد بن جعفر (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۲) یاد کرد. از این رو می‌توان گفت نگاشتن در این موضوع مسبوق به سابقه است اما ظاهراً کلینی نخستین فردی است که در جامع حدیثی به این موضوع پرداخته است.

کتاب «فضل العلم» دربردارنده ۱۷۶ روایت درباره ماهیت خود علم است. در میان راویان، قمی‌ها ۱۵۳ حدیث - یعنی ۸۷ درصد - را به خود اختصاص داده‌اند که اشعری‌ها ۶۰ حدیث یعنی ۳۳ درصد مجموع روایات را روایت کرده‌اند. علی بن

ابراهیم قمی ۵۸ حدیث معادل ۳۲ درصد. محمد بن یحیی ۴۳ درصد از احادیث را روایت کرده است که هر دو نفر یعنی علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی احادیثی را از احمد بن محمد بن عیسی اشعری روایت کرده‌اند. احمد بن محمد بن خالد برقی نیز از عده قمی‌اش ۲۶ حدیث معادل ۱۵ درصد از احادیث را نقل کرده است. حسین بن محمد ۱۵ حدیث، علی بن محمد بن عبدالله برقی ۴ حدیث، صفار قمی ۳ حدیث و احمد بن ادريس اشعری و عده قمی‌ها هر یک دو حدیث را نقل کرده‌اند.

در مجموع روایات، وابستگی کلینی به بوم خود یعنی ری نیز آشکار است.^۴ زیرا وی ۱۱ حدیث را از اهالی ری یعنی علی بن محمد بن ابراهیم رازی که همگی از سهل بن زیاد روایت شده است. حدیث دیگری از محمد بن عبدالله اسدی مقیم ری نقل شده است. (نیومن، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲)

بر اساس آنچه در کتاب العقل و الجهل بیان شد، عقل با تمام مزایای که برای انسان دارد، افراط در آن می‌تواند آدمی را به ورطه هلاکت بیندازد. کلینی در این کتاب اعتراضی به نوع بهره‌گیری از عقل در بین برجستگان عصر خویش دارد که این مطلب از چینش احادیث این کتاب قابل برداشت است. در واقع نقش استقلالی دادن به عقل بدون در نظر گرفتن آموزه‌های نقلی می‌تواند به برداشت‌ها و تفسیرهای نادرست از آموزه‌های اسلامی منجر شود. از این رو کلینی با مد نظر قرار دادن فرمایشات ائمه(ع) به گونه‌ای با تنظیم کتاب العقل و الجهل به دنبال تصحیح چنین تفکری است که در بین امامیان نیز رخنه کرده است و طرفدارانی داشته است.

در ادامه کلینی در کتاب فضل العلم به اهمیت علم قطعی اشاره می‌کند که علم قطعی در صورتی بدست می‌آید که به تنها منبع علم یعنی ائمه(ع) رجوع شود. افزون بر این کلینی در کتاب فضل العلم به نقد جریان‌های انحرافی قیاس محور نیز می‌پردازد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۵۴-۵۹). علاوه بر این کتاب فضل العلم کافی دربردارنده دیدگاه اصلی مؤلف در رجوع به کتاب و سنت در همه مسائل است. (نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹)

وجود دو باب مهم «باب الرد الی الکتاب و السنه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۵۹-۶۱) و «باب الاخذ بالسنه و شواهد الکتاب» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۹)

نشان از اهمیت نقل در نگاه کلینی است. حتی می‌توان گفت تقدم سنت بر قرآن نیز در باب «الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب» حاکی از توجه خاص کلینی به سنت است.

۲-۱-۳. کتاب التوحید و کتاب الحجج

بر اساس گزارش نجاشی افراد زیادی پیش از کلینی در حوزه توحید کتاب تألیف کرده‌اند. از جمله می‌توان به حماد بن عیسی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۳) اشاره کرد. از آنجا که مسأله توحید مسأله‌ای است که از ابتدا مورد توجه علما و محدثان بوده است از این رو در این زمینه کتب مختلفی نگاشته شده است و کلینی در پرداخت آن نخستین فرد نیست.

انتخاب موضوع توحید و حجج در کتاب کافی، بعد از آن از بین اصول اعتقادی حاکی از اولویت عصری پرداختن به این مباحث را نشان می‌دهد. در واقع بر مبنای اولویتی که در زمان کلینی نسبت به این مفاهیم احساس شده است تنظیم آنها در اصول قابل تبیین است.

۲-۱-۴. کتاب الایمان و الکفر

در بین آثار علمای پیش از کلینی آثاری در زمینه ایمان و کفر نگاشته شده است. از جمله می‌توان به «کتاب الایمان» فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق)، کتاب «شرایع الایمان» نگاشته حمدان بن معافی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۸) اشاره کرد. همچنین ایمان با اسلام در کتاب «ایمان و اسلام» مفضل بن عمر (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱۶) و کتاب «درجات الایمان و الکفر و وجوه الکفر» از بکر بن صالح رازی (طوسی، بی‌تا، ش ۱۲۷) از دیگر کتبی هستند که در این موضوع نگاشته شده‌اند.

از این رو می‌توان گفت که تألیف در این موضوع سابقه‌ای طولانی دارد و تألیفات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. کلینی با بهره‌گیری از کتب پیش از خود به سلسله‌ای از مباحث در این زمینه پرداخته است که حاکی از نیازهای عصر کلینی است از جمله پرداختن به موضوع ایمان در عصر وی در صدر توجه فرقه‌های مختلف است. حقیقت ایمان و یقین، درجات ایمان، رابطه اسلام و ایمان، کفر و ارکان

آن، پرداختن به برخی سجایای ایمانی و ردائیل نفسانی از جمله مباحث مهم این کتاب است.

۲-۱-۵. کتاب الدعاء، کتاب فضل القرآن و کتاب العشره

این سه کتاب جزء کتبی هستند که کلینی پس از مهمترین مباحث خود به بیان آنها پرداخته است و در محور آداب و اخلاقی که در مقدمه بیان شد، جای می‌گیرند. توجه به این مسائل حاکی از نگاه ویژه کلینی به موضوع دعاء و قرآن و روابط اجتماعی و انسانی است.

در واقع کلینی به آداب عبادی و اخلاق اسلامی و رفتار ایمانی در جامعه اسلامی توجه دارد که در روایات این سه کتاب نیز آشکار است. کلینی در کتاب الدعاء کلینی به بیان چگونگی برقراری رابطه بین عبد و خالق خویش می‌پردازد و نحوه آن را از لسان ائمه بیان می‌دارد. در کتاب بعدی اهمیت قرآن، حامل قرآن، ثواب قرائت و مسائل مربوط به آن را می‌پردازد و سپس نحوه روابط اجتماعی را بیان می‌کند.

۲-۲. طبقه‌بندی کتب فروع کافی

در بخش فروع نیز کلینی به ذکر مباحث موجود در فقه پرداخته است. کلینی روایات فروع را بر اساس ارتباط آنها با شناخت احکام فرعی شرعی که به طور معمول در کتب فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد، تنظیم کرده است. وی این بخش یعنی فروع را به ۲۶ کتاب تقسیم کرده است که در تمامی این ابواب ۱۰۹۱۱ حدیث جای گرفته است. از خلال این کتب به روشنی مشخص می‌شود که شاخصه اصلی فروع، فقهی بودن این بخش است که بجز در موارد اندک در غالب ابواب و احادیث این مسأله رعایت شده است. (عمیدی، ۱۳۷۲، صص ۲۴۸-۲۴۹)

کار کلینی در کافی مبتنی بر نگاه فقهی کلینی به عنوان یک فقیه مجدد در عصر خویش است که وی با توجه به تقدم علمای دیگر بر وی در تألیف این دست از کتب، وی متأثر از دیگر آثار نیز بوده است. شیخ طوسی تعداد زیادی از اصحاب امامیه که کتب فراوانی در فقه داشته‌اند و کتب خود را بر اساس ابواب معروف فقه تنظیم کرده‌اند، نام برده است که از جمله آنها می‌توان به اسماعیل بن موسی بن جعفر

(طوسی، بی‌تا، صص ۱۰-۱۱) حسن بن محمد بن سماعه (طوسی، بی‌تا، صص ۵۱-۵۲)، حسین بن سعید (طوسی، بی‌تا، صص ۵۸-۵۹) و علی بن حسن بن فضال (طوسی، بی‌تا، صص ۹۲-۹۳) اشاره کرد.

علی رغم اینکه کلینی در روش تألیف کتاب خود پیرو آثار پیش از خود بوده است، توانسته است با فراهم آوردن ابواب فراوان دسترسی افرادی را که تمایل به اطلاع از شناخت حکم دارند را به سادگی میسر سازد و کار خویش را از پیشینیان خود متمایز سازد. این مطلب به این دلیل است که عناوین این ابواب مستنبط از مضامین احادیث آنها هستند بلکه بسیاری از ابواب فروع مشعر بر نوعیت حکم موجود در آن احادیث است.

کلینی عنوان را با یکی از احکام تکلیفیه پنجگانه مانند باب «ما یجب فیه الفداء من لبس الثیاب» و باب «ما یستحب من تزویج النساء...» و باب «کراهیه اجاره الرجل نفسه» و باب «ما یجوز للمحرم بعد اغتساله...» آغاز می‌کند. از نکات جالب در روش کلینی در انتخاب عناوین ابواب این است که وی در این انتخاب نوعیت احادیث و آیات قرآنی که مطابق آنها هستند را رعایت کرده است حتی تا آنجا که عنوان از قرآن اقتباس شده است مانند: «و من دخله امنا» و «و لکن لاتواعدوهن سرّاً» و «و لا تضاروهن لتضیقوا علیهن». (عمیدی، ۱۳۷۲، صص ۲۴۹-۲۵۰)

نکته قابل توجه در طبقه‌بندی کافی این است که کلینی در بخش فروع احادیثی را ذکر کرده است که ارتباطی با فروع احکام فقهی ندارد و نزدیک‌تر به تاریخ است تا فقه که ذکر آنها در روضه کافی که در آن احادیث مختلفی از آداب، سیر، و تاریخ و حکم و خطب و مانند آن است، مناسب‌تر بود. از جمله می‌توان به قصه تبع و ورودش به مکه و قصدش در خراب کردن مکه اشاره کرد که پس از خراب کردن مکه برگشت یا قصه اصحاب فیل و خراب کردن مکه یا قصه حفر چاه زمزم توسط عبدالمطلب. (کلینی، بی‌تا، ج ۴، صص ۲۱۵-۲۲۲)

شاید دلیل پرداختن کلینی به این امور این باشد که وی در کتاب حج آنها را استطراداً در مورد آنچه بیت العتیق از ادوار تاریخی گذشته ذکر کرده است و این مسائل به موضوع حج مرتبط است اما با فروع فقهی ارتباطی ندارد.

۲-۳. طبقه‌بندی روضه کافی

بخش روضه کافی که بخش سوم کتاب کافی است، دارای ساختاری متفاوت از اصول و فروع است. در این بخش فقط یک کتاب است که شامل مباحث مختلفی از جمله خطبه‌ها، نامه‌های ائمه (ع)، مواعظ، قصص و مطالب تاریخی است. روضه کافی تنظیم و ترتیب موضوعی موجود در کتب و ابواب اصول و فروع را دارا نیست. این بخش توسط محمد حسین بن قاریاغدی در ۳۰ باب به صورت موضوع طبقه‌بندی شده است که ظاهراً این طبقه‌بندی تنها فهرست طبقه‌بندی موضوعی شناخته شده روضه است. (نک: غاریاغدی، ۱۳۸۷ش، کل اثر)

۲-۴. طبقه‌بندی ابواب حدیثی کافی

چینش ابواب کتاب کافی دارای تقدم و تأخری در خور تأمل است. در واقع در بخش‌هایی رعایت اولویت می‌تواند، چینش نسبی از ابواب را ارائه دهد. به طور مثال در بخش اصول در ذیل کتاب «فضل العلم» که در آن طبقه‌بندی ابواب لحاظ شده است، ابتدا به ابواب وجوب علم و طلب و جستجوی آن و سپس به صفت علم، فضیلتش و فضیلت علما و موارد دیگر می‌پردازد. (کلینی، بی تا، ج ۱، صص ۳۰-۳۶)

پرداختن به وجوب علم و طلب آن بر صفت علم و فضیلت علم اولویت دارد. این موضوع گاه در بخش قابل توجهی از ابواب یک کتاب و گاه در بخش‌هایی از ابواب کتب رعایت شده است. در بخش فروع نظم ابواب مبتنی بر موضوعات فقهی است که این مسأله نظم بیشتری را در این بخش از کتاب حاکم ساخته است. بخش روضه نیز همان گونه که پیش از این بیان شد فاقد هر گونه طبقه‌بندی است.

در طبقه‌بندی ابواب حدیثی کافی علاوه بر نحوه چینش، برخی از نکات دیگر مانند تکرار ابواب در یک کتاب یا رها کردن برخی از ابواب بدون عنوان نیز قابل توجه است. گاه کلینی دو باب را در یک کتاب تکرار می‌کند. مانند کتاب جنائز که عنوان باب «المرأه تموت و فی بطنها ولد یتحرک» را تکرار کرده است که در باب تکراری «المرأه تموت و فی بطنها ولد یتحرک» دو حدیث از باب قبلی با اسناد جدید اخذ کرده است که نقل آنها به این صورت ضرورتی ندارد و امکان جمع این احادیث در یک باب وجود دارد. (عمیدی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۶)

این مسأله شاید به این دلیل باشد که کلینی چنین روایاتی را پس از تألیف قسمت اول یافته باشد و سپس ناچار به اضافه کردن به این صورت شده باشد. این نشان می‌دهد که کلینی به تدریج روایات را به کتب خود می‌افزوده است و شاید در مقاطع مختلفی به این روایات دست یافته است و آنها را به کتاب خود افزوده است. علاوه بر این، این موضوع طولانی بودن زمان تألیف کتاب را که مورد اشاره رجالیان (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۷) نیز قرار گرفته است نشان می‌دهد.

نکته مهم دیگر در باب بندی کافی، ابواب بدون عنوان است. کلینی ۴۲ باب را بدون عنوان رها کرده است و فقط به ذکر لفظ «باب» اکتفا کرده است. شاید دلیل عدم ذکر عنوان برای این ابواب به دلیل این است که این ابواب احادیث زیادی را در بر نمی‌گیرند و اغلب آنها دربردارنده یک یا دو حدیثند و مباحث و احکام شرعی مذکور در آنها متنوع نیست.

در قسمت فروع برخی از کتب دربردارنده تعدادی از ابواب بدون عنوانند که اگر احادیث آن در باب واحدی قرار می‌گرفت و عنوانی انتخاب می‌شد، بهتر از تکرار آنها بدون عنوان بود. به طور مثال این اتفاق دو بار در کتاب وصایا و سه بار در کتاب دیات و شش مرتبه در کتاب مواریث و هشت مرتبه در کتاب جهاد رخ داده است.

۲-۵. طبقه‌بندی احادیث

برخی از علماء همچون خوانساری (خوانساری، بی تا، ج ۶، ص ۱۱۶) و حسن صدر (صدر، بی تا، ص ۵۴۵) بر این نظرند که روش کلینی در نقل احادیث کافی مبتنی بر تنظیم احادیث بر اساس ترتیب صحت و وضوح است. بدین معنا که کلینی در هر باب ابتدا احادیث صحیح را نقل کرده و سپس به نقل احادیثی که از صحت و وضوح کمتری برخوردارند، می‌پردازد.

به همین دلیل اغلب، اواخر ابواب خالی از اجمال و اخفاء نیست. البته برخی از محققان چنین امری را فاقد هر گونه دلیلی دانسته‌اند و براین نظرند که چنین ادعایی نه مورد تصریح و اشاره کلینی قرار گرفته است و نه دلیلی بر تایید آن وجود دارد. (حسینی جلالی، ۱۴۲۵، ص ۱۶۰) از این رو نمی‌توان هیچ دلیلی بر این ادعا یافت.

بررسی احادیث کافی نشان می‌دهد که کلینی به دنبال چنین موضوعی نبوده است. یکی از مسائلی که عدم چنین ترتیبی را تایید می‌کند پدیده تکرار احادیث است. احادیث کافی به خصوص در بخش فروع به کرات تکرار شده‌اند و کلینی در مقابل تکراری که در متون احادیث انجام داده است روش واحدی را در پیش نگرفته است. گاه این احادیث در باب واحدی و گاه در ابواب مختلف مورد تکرار قرار گرفته‌اند. در جایی که تکرار در باب واحد است، روش وی در این بخش بدین صورت است که متن مکرر را با سند مختصر دیگری با عبارت «مثله» نقل می‌کند تا تطابق بین سابق و لاحق برقرار شود و صفت این احادیث مکرر این است که به دنبال احادیثی قرار می‌گیرند که پیش از این نقل کرده است و به این احادیث لاحق شماره‌ای مانند احادیث مستقل نداده است.

هدف وی در این کار پربار کردن روایات با کثرت طرق و تعدد رجال سند یا رعایت اختصار است. به عنوان نمونه می‌توان به روایاتی در کتاب‌های صلاه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۳۴) اشاره کرد.

گاه حدیث با بیش از یک سند واحد تکرار می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۵) این دست از تکرار در بسیاری از ابواب فروع کافی رخ می‌دهد. البته کلینی گاه از این روش عدول کرده و بدون اختصار تمام متن مکرر حدیث را با سندهای مختلف گزارش کرده است. (به عنوان نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۴) در مواردی تکرارها بدون تسلسل و ترتیب صورت می‌گیرد که در این موارد ناچار به ذکر متن تکراری است و امکان احاله متن با عبارت مثله و مانند آن وجود ندارد. (به عنوان نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۹)

تکرار در بیش از یک باب نیز به سه روش مختلف صورت می‌پذیرد. گاه تکرار در دو باب از یک جلد صورت گیرد: مانند روایتی که کلینی از سکونی از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که این حدیث را در باب دیگری با سندش از مسمع از ابی عبدالله نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴ و ۳۶) گاهی نیز تکرار در دو کتاب در یک جلد رخ داده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۸؛ ج ۶، ص ۵۹ که تکرار آن در ج ۳، ص ۲۴ و ج ۳، صص ۱۰۹-۱۱۰ اتفاق افتاده است)

در مواردی نیز تکرار در دو جلد از جلدهای کافی صورت گرفته است. به عنوان نمونه در کتاب نکاح از جلد پنجم که روایت با سند و متنش در کتاب موارث از جلد هفتم تکرار شده است. این نوع منحصر در فروع کافی نیست و در چند موردی حدیثی در فروع وجود دارد که پیش از این در اصول نیز آمده است.

۳. ویژگی‌های طبقه‌بندی کافی

۳-۱. پیروی از سبک جامع نویسی

سبک جامع نویسی دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای است که در قرون مختلف در بین شیعه و اهل سنت رواج داشته است. جامع نویسی در شیعه نیز علی‌رغم تفاوت در اسلوب‌های نگارشی و عنوان بندی کتاب‌ها از نظر روش‌های طبقه‌بندی نزدیک به اهل سنت است. تدوین کتب جوامع در شیعه با اندکی تأخیر از اهل سنت صورت پذیرفته است. سیر تالیفات حدیثی در شیعه را باید از اصول آغاز کرد که توسط شاگردان ائمه نگارش شده‌اند. اصل، مصنف و کتاب جزء مواردی هستند که در راستای چنین تقسیم بندی بکار گرفته شده‌اند. (ر.ک معارف، ۱۳۷۳، صص ۱۷۱-۱۷۳) البته عنوان اصول جزء اصطلاحات حدیثی شیعه است و زمینه‌ی ظهوری در اهل سنت ندارد.

در حوزه قالب‌های شکلی تألیف در شیعه باید از ساختار متمایز کتب شیعی سخن گفت. در پیش از تألیف کتب اربعه شیعه، دو دسته از کتب مطرح است. دسته‌ای که با نام الجوامع مشهورند و دسته دیگری که با عناوین مشیخه، نوادر و دیگر عناوین مورد تألیف قرار گرفته‌اند. دسته اول: «الجامع» (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۱، صص ۶۴-۶۵، ص ۷۵، ص ۴۰۵)، «الجامع فی انواع الشرائع» (نجاشی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲)، «الجامع فی ابواب الشریعه» (نجاشی، ۱۴۰۱، ص ۴۹)، «الجامع فی الحدیث و الجامع فی الفقه» (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، ج ۵، صص ۲۸-۳۰)

این دسته از کتب علی‌رغم عنوان جامع، دارای ساختار جوامع متاخر نیستند و بیشتر متمرکز بر موضوعات حدیثی یا فقهی هستند. در واقع جامعی در یک حوزه است نه در حوزه‌های مختلف. از جمله این کتب که عنوان جامع را دارا هستند می‌توان به کتاب «الجامع فی الاحادیث» تألیف احمد بن محمد بن ابی نصر بزَنطی؛ «الجامع فی

الحديث» تألیف ابوطاهر وراق حَضْرَمی اشاره کرد. (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، ج ۵، صص ۲۷-۳۰، ص ۶۲)

در بین این کتب فقهی می توان از عنوان کتب «الثلاثین» یاد کرد که افرادی همچون محمد بن ابی عمیر (طوسی، بی تا، ص ۴۰۴)، صفوان بن یحیی (طوسی، بی تا، ص ۱۴۶) و یونس بن عبدالرحمن (طوسی، بی تا، ص ۲۶۶) دست به نگارش کتب سی گانه ای زده‌اند. به نظر می رسد چنین شیوه‌ای از تألیف در نیمه قرن دوم و قرن سوم رواج داشته است و مورد استفاده دیگر محدثان از جمله محمد بن سنان (طوسی، بی تا، ص ۲۱۹)، حسین بن سعید اهوازی (طوسی، الرجال، ص ۳۸۵)، علی بن مهزیار (نجاشی، ۱۴۰۱، ص ۲۵۳)، محمد بن اورمه (طوسی، بی تا، ص ۲۲۰) و محمد بن حسن صفار (طوسی، بی تا، ص ۲۲۰) قرار گرفته است.

دسته دوم کتب که تعداد اندکی از این کتب بدست ما رسیده است بجز کتاب‌های المحاسن برقی و نوادر علی بن عیسی بقیه این کتب فاقد ساختار جامعند. به نقل از نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۱، ص ۷۶)، ابوجعفر برقی به کتاب المحاسن خود، کتاب‌هایی افزود یا از آن کاست. نجاشی برخی از کتابهای محاسن را نام برده است. ابن ندیم (ابن ندیم، ۱۳۹۱، صص ۲۷۶-۲۷۷)

در بین کتب فوق باب بندی امری شایع است که صرفاً در کتاب محاسن برقی و کتب الثلاثین حسین بن سعید اهوازی و به احتمال زیاد دیگر ثلاثین دیگری که نوشته شده است، ساختار کل به جزء رعایت شده است. البته ساختار کلی کتاب‌ها در محاسن پراکنده و غیر مرتبطند که این ساختار غیر منسجم در کتاب کافی از انسجام بالایی برخوردار است

در نیمه دوم قرن سوم و قرن چهارم نیز که مصادف با سال‌های تألیف کافی است، تألیفاتی با عنوان الجامع دیده می شود که این جوامع نیز دارای مشخصاتی هستند که در مورد جوامع قرن دوم و سوم اشاره شد. یعنی مختص یک حوزه خاصند و مطابق با مشخصات یک جامع نیستند. از جمله مهمترین جوامع این دوره می توان به این موارد اشاره کرد: «الجامع فی ابواب الشریعه» تألیف ابومحمد حسن بن علی الحِجَال؛ «الجامع فی انواع الشرایع» تألیف حمید بن زیاد کوفی؛ «الجامع فی الحدیث» تألیف ابو محمد

حسن بن احمد بن محمد عجلی (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۵، صص ۲۷-۳۱). این جوامع از دست رفته‌اند و در حال حاضر موجود نیستند. در بین کتب شیعی کتاب کافی از ساختاری متمایز در طبقه‌بندی برخوردار است. این ساختار، با مباحث مقدماتی در حوزه عقل و جهل و فضل العلم آغاز و سپس به مباحث اعتقادی می‌رسد. در ساختار کلی این جامع حدیثی طبقه‌بندی بر اساس اصل و فرع یا کل و جزء رعایت شده است. کتب بر مبنای چندین کتاب اصلی در موضوعات مختلف تنظیم شده است. از این رو کافی کلینی در سبک جوامع حدیثی قرار می‌گیرد که در بین کتب جوامع شیعه دارای نوآوری ویژه‌ای است و در بقیه کتب جوامع شیعی چنین ساختاری وجود ندارد.

۲-۳. توجه به مسائل عصری و فضای فکری حاکم بر امامیه

در جامعه امامی عصر کلینی مباحثی همچون برخورد با احادیث مختلف جزء مباحث اصلی بود. همچنین برخورد با جریان‌های رأی محور و عقل‌گرای عصر کلینی نیز نکته مهم دیگری است که پرداختن به آن ضرورت داشت. کلینی با نقد این جریان اصل رجوع به کتاب و سنت را تبیین کرده است. در زیر به بررسی دو محور اصلی مباحث کلینی می‌پردازیم.

۳-۲-۱. اختلاف حدیث

بحث اختلاف حدیث و جمع احادیث مختلف در حدیث شیعه از قرن دوم مطرح شده است که دلیل آن عناوین کتبی است که در این موضوع در قرن دوم نگاشته شده است. از جمله افرادی که در این زمینه در قرن دوم و اوایل قرن سوم کتابی با عنوان «اختلاف الحدیث» تألیف کرده‌اند می‌توان از یونس بن عبدالرحمن (طوسی، الفهرست، ص ۱۸۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۶۱) و محمد بن ابی عمیر (طوسی، الفهرست، ص ۲۱۷؛ نجاشی، ۱۴۰۱، ص ۲۳۰) یاد کرد.

این حرکت با تألیف آثار دیگری از سوی دیگر محدثان شیعه پیگیری شد که در این قرن می‌توان از کتاب «اختلاف الحدیث» احمد بن محمد بن خالد برقی (طوسی،

۱۴۲۷ق، صص ۲۰ و ۵۵) و کتاب «کتاب الحدیثین المختلفین» عبدالله بن جعفر حمیری (نجاشی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۵۲) در این موضوع یاد کرد.

همین حرکت در قرن چهار نیز ادامه یافته و کتاب «کتاب الحدیثین المختلفین» از محمد بن احمد بن داود (نجاشی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۷۲) و کتابی با همین عنوان از احمد بن عبدالواحد بن احمد البزاز و کتاب «جواب المسائل فی اختلاف الاخبار» از سید رضی تألیف شده است که تمامی این حرکت‌ها به استبصار شیخ طوسی ختم می‌شود. علاوه بر کتبی که جهت گیری کلی آنها بحث احادیث مختلف است برخی از کتب حدیثی دیگر مانند کافی نیز به این موضوع توجه داشته‌اند. از جمله کلینی با ذکر موضوع جمع احادیث مختلف به ملاک‌های جمع پرداخته است.

کلینی در باب اختلاف الحدیث با ذکر ۱۰ روایت در این زمینه به بیان ملاک‌هایی در جمع روایات مختلف پرداخته است. در بین این احادیث دسته‌ای به بیان زمینه‌های و علل اختلاف احادیث همچون تقیه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۵-۶۶) عام و خاص بودن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۲-۶۴) ناسخ و منسوخ بودن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۲ و ۶۵)، محکم و متشابه بودن و دسته بندی ناقلان حدیث (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۲-۶۴) اختصاص یافته است.

در دسته دیگری نیز به بیان ملاک‌هایی همچون تسلیم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۶)، ترجیح (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۶۷-۶۸)، تخییر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۶) و توقف (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۸) پرداخته‌اند.

از روایات نقل شده در کتاب کافی و مقدمه کافی کلینی استنباط می‌شود که وی معیار تسلیم و رضا در جمع احادیث مختلف را مبنای اصلی خود در داوری بین احادیث مختلف در کافی قرار داده است. وی این معیار را معیاری در شناخت احادیث معتبر در نظر گرفته است. (بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۲۰)

به تعبیر کلینی آخرین ملاکی که مسئولیت کمتری داشته و آسان‌ترین راه انتخاب است، باب تسلیم و رضاست که مطابق آن در صورت دشوار شدن شناخت حدیث هر حدیثی را که مایلید از باب تسلیم و رضا مورد عمل قرار دهید. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۸)

هرچند که کافی کلینی به دلیل به‌کارگیری ملاک تسلیم و رضا در ترجیح‌احادیث اختلافی از هر جهت مورد قبل محدثان عصر خویش قرار نگرفت (بهبودی، ۱۳۶۲، ص ۲۰) اما اهتمام کلینی به احادیث اختلافی و یافتن راه حلی برای آنها ستودنی است. توجه کلینی به این ملاک حاکی از توجه وی به مسائل مهم عصری خویش یعنی اختلاف حدیث است.

۲-۲-۳. نقد قیاس و جریان عقل محور

در اوایل سده دوم هجری رأی و قیاس مورد توجه و اقبال محافل فقهی اهل سنت قرار گرفت. به طور مشخص دو شخصیت ابوحنیفه و ابن ابی لیلی در کوفه جزء افرادی هستند که جریان رأی را قوت بخشیدند. ابوحنیفه اجتهاد الرأی را در فقه خود مطرح ساخت که بیشتر ناظر به آن دسته از مسائل شریعت بود که مرتبط با مسائل روزمره بود. (پاکتچی، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۲۸) شافعی دیگر فقیه اهل سنت، با حجیت دادن به قیاس، قائل به ترادف اجتهاد و قیاس شد. (شافعی، بی تا، صص ۷۶-۴۷۹)

در این میان اصحاب حدیث نیز با پذیرش اصل اجتهاد الرأی و قیاس بر چگونگی بهره‌گیری و گستره آن انتقاد داشتند. از این رو در فضای اهل سنت اصل موضوع امری قابل قبول اما در نحوه و گستره آن اختلاف نظرهایی وجود داشته است. البته اقلیتی نیز به کل موضوع رأی را مورد انکار قرار می‌دهند. (ابن قتیبه، بی تا، ص ۵۶)

رأی در فضای امامیه نیز تحت تأثیر فضای اهل سنت مطرح گردید. به طور کلی چند گروه در حوزه کاربرد ادله مختلف فقهی در سده دوم در فقه امامیه قابل شناسایی است. گروه اول کلام‌گرایان که در دو نسل پیاپی افرادی همچون هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن را در خود جای داده است. گروه دوم هشام بن سالم، صفوان بن یحیی، و احمد بن ابی نصر بزنطی و گروه سوم فقیهان آل‌اعین از جمله زراره بن أعین، و سپس عبدالله بن بکیر قرار می‌گیرند. این گروه‌ها را با تسامح می‌توان اهل اجتهاد یا لاقل اهل استنباط محسوب کرد. (پاکتچی، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۲۸)

در بین گروه‌های مذکور کسانی همچون یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان فقیهانی متمایل به اجتهاد و هشام بن حکم متمایل به گونه‌ای از قیاس است. از این رو

در بین امامیه افرادی محدودی به بحث از قیاس توجه داشته‌اند که مورد نقد اکثریت امامیه قرار گرفته‌اند. از جمله در مقابل اندیشه هشام بن حکم، مواضع هشام بن سالم قرار می‌گیرد که این تقابل از تألیف حمیری با نام «کتاب ما بین هشام بن حکم و هشام بن سالم و (فی) القیاس» قابل استنباط است. (پاکتچی، ۱۳۸۰، صص ۱۱-۲۸) چنین تقابلی بین دو طیف از فقیهان امامی قابل مشاهده است که طیف متمایل به اجتهاد در اقلیتند.

با توجه به نهمی وارده از سوی ائمه درباره رأی و قیاس و نقد گروه رأی محور، این گروه در حداقل ممکنند. از این رو در بین تألیفات حدیثی امامی بابی در رد رأی و قیاس اختصاص یافته است که از جمله می‌توان به المحاسن برقی اشاره کرد. برقی در باب «البدع» ۹ روایت و در باب «المقائیس و الرأی» ۲۳ روایت را در مذمت بدعت و رأی و قیاس نقل کرده است. (نک: برقی، ۱۳۷۰، صص ۲۰۷-۲۱۵)

کلینی این دو باب را در یکدیگر ادغام کرده و با عنوان «باب البدع و الرأی و المقائیس» به نقل ۲۲ روایت در نکوهش بدعت، رأی و قیاس پرداخته است که به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از این روایات از المحاسن برقی نقل شده است.

کلینی در این باب به ذکر چند روایت محدود در حوزه بدعت‌ها پرداخته و سپس بر موضوع رأی و قیاس متمرکز شده است. نکته قابل توجه در این روایات نهمی ابوحنیفه از قیاس در ملاقات ابوحنیفه با امام صادق(ع) است که حضرت وی را از این امر بر حذر داشته‌اند. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۸) و در روایتی از امام موسی کاظم(ع) ابوحنیفه به دلیل استناد به رأی خود مورد لعنت قرار گرفته است. (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶)

در این روایت راوی به دنبال گرفتن جواز قیاس از امام موسی کاظم(ع) است که با برخورد شدید درباره ابوحنیفه مواجه می‌شود و از این امر منصرف می‌شود. تمایل این راوی به قیاس و طلب چنین چیزی حاکی از وجود جریان قوی رأی محور در این عصر است که مخالفت ائمه سدی در مقابل این حرکت است. کلینی پس از نقل روایاتی در رد رأی و قیاس ملاک اصلی مورد پذیرش خود در استنباط احکام را در

باب بعدی یعنی «الرد الی الکتاب و السنه و إنه لیس شی من الحلال و الحرام و جمیع مایحتاج الناس إلیه إلا و قد جاء فیہ کتاب أو السنه» بیان می‌دارد.

از این رو فرد به جای ارجاع مسائل به رأی خود، باید به کتاب خدا و سنت ارجاع دهد. در این باب کلینی در روایات مختلفی از جمله در روایتی از امام صادق (ع) و روایت دیگری از امام کاظم (ع) دیدگاه حداکثری را در بیان تمام مسائل در قرآن و روایات بیان می‌دارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۲)

برخی از محققان توجه کلینی به عقل و نقل روایاتی در باب اصالت عقل را ناشی از گرایش اعتزالی وی می‌دانند. (غفار، ۱۴۱۶، ص ۴۲۳) برخلاف این نظر تفکر کلینی در نقطه مقابل تفکر اعتزال است که چنین تفکری از چینش ابواب بعدی وی آشکار می‌شود. کلینی با تأکید بر کتاب و سنت دو باب با عنوان «الرد الی الکتاب و السنه» (کلینی، بی تا، ص ۶۲) و باب «الأخذ بالسنه و شواهد الکتاب» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۹) آورده است که تفکر نقل محور وی را آشکار می‌سازد. دلیل پرداختن کلینی به مبحث عقل توجه دادن به عقل و اهمیت آن و در مقابل نهی از نگاه حداکثری به عقل در قالب رأی و قیاس است.

در نهایت می‌توان گفت که کلینی با رد پدیده رأی و قیاس به رجوع به کتاب خدا و سنت توصیه می‌کند به گونه‌ای که هر آنچه که مورد نیاز است در کتاب خدا و سنت وجود دارد و نیازی به مراجعه به رأی و قیاس نیست. از نگاه کلینی رأی مترادف با قیاس است و فرقی بین این دو وجود ندارد. این در نقطه مقابل محدثان اهل سنت قرار می‌گیرد که رأی و استنباطات حداقلی را پذیرفته و بحثی در آن ندارند و صرفاً جریان رأی محور و قیاس محور افراطی را مورد نقد قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری

۱- طبقه‌بندی احادیث از سده اول هجری با ظهور سبک‌های تبویب و تدوین احادیث آغاز شد که تألیف کتب جامعی همچون کافی کلینی نقطه عطفی در تبویب و طبقه‌بندی کتب حدیثی شیعه است.

۲- طبقه‌بندی کافی مبتنی بر پاسخ‌گویی به مباحث مطرح در عصر خویش است که این تفکر در قالب طبقه‌بندی عصری خود یعنی طبقه‌بندی مفهومی آموزه‌های حدیثی در قالب قواعدی همچون؛ اصل و فرع، اناطه یا توقف و اشرفیت شکل یافته است.

۳- کلینی راهبرد خود در تنظیم کتب و ابواب را در مقدمه کتاب خویش بیان داشته است. وی محورهای عقل و جهل، فضل علم، ضرورت تمسک به سنت و قرآن، توحید، نبوت و امامت، آداب و فرائض و احکام را در مقدمه بیان می‌دارد که این محورها در اصل کتاب در ضمن کتب مختلف شکل یافته است. روند طبقه‌بندی نیز به نحوی است که کلینی مفاهیم عقل و جهل و فضل علم را به عنوان مقدمه بر کتاب خویش و پاسخ تفصیلی به جریان‌های عصری خویش در نظر گرفته است که در آن مباحث مختلف نقد جریان‌های عقل‌گرا و تبیین مفهوم صحیح عقل و جهل، تاکید بر علم و جایگاه عالمان، ضرورت تمسک به کتاب و سنت، نقد قیاس و جریان‌های قیاس‌محور و راهکارهای خویش در موضوع اختلاف حدیث پرداخته است.

بیان اصول اعتقادی توحید و امامت به عنوان ادامه نبوت پیامبر(ص) و مفاهیم ایمان و کفر بخش بعدی کتاب کلینی را شکل می‌دهد. کلینی پس از آن به مباحث اخلاقی و آداب عبادی و زندگی که در ضمن کتب دعا، فضل قرآن و عشره انتظام یافته، پرداخته است و در نهایت بخش احکام نیز در فروع کافی قرار گرفته است. بخش روضه کافی با معیارهای مذکور در مقدمه و ساختار دو بخش قبلی کتاب قابل تبیین نیست و بخش علی حده است که فاقد طبقه‌بندی مشخصی است.

۴- کافی کلینی جامع حدیثی است که با بهره‌گیری از روش اصل و فرع کل کتاب به ۳۰ کتاب و هر کتاب نیز به ابواب مختلفی تقسیم بندی شده است. شیوه طبقه‌بندی کلینی در ابواب بر پایه اولویت است که ابواب در اصول و فروع با رعایت ترتیب منطقی و نظم نسبی به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند و احادیث نیز دارای بالاترین تناسب با ابواب هستند و درصد احادیث غیر مرتبط در حداقل است.

۵- طبقه‌بندی کافی متأثر از علم طبقه‌بندی در زمان کلینی و شرایط عصری وی است که وجود مباحث مبتلا به عصری از جمله احادیث اختلافی و قیاس و جریان عقل محور حاکی از تلاش کلینی در پاسخ به مسائل عصر خویش است.

یادداشت‌ها

۱- طبقه در کاربرد حدیثی خود به گروهی اطلاق می‌شود که در سن و ملاقات مشایخ یکسان هستند. (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ص ۱۷۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۸)

2- Exploratory

3- Explanatory

۴- بر اساس نظر برخی از محققان در کل، کتاب کافی نمادی از مکتب قم است نه بغداد. تحلیل روایات کافی نیز مؤید چنین نظری است. (ر.ک: حمادی و طباطبایی، ۱۳۹۲ش، صص ۹۸-۱۱۳)

کتابنامه

قرآن کریم.

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۹۲ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، به تصحیح احمد منزوی، تهران: کتابفروشی اسلامیة

ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۱ق)، الفهرست، بی جا: رضا تجدد

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰)، المحاسن، به کوشش سید جلال الدین حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه

پاکتچی، احمد، (۱۳۷۹)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل اصحاب رأی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

همو، (۱۳۸۰)، «گرایش‌های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری قمری»، فصلنامه پژوهشی علم و دین، شماره ۴

همو، (۱۳۸۶ش) مایه‌های فلسفی در میراث ایران باستان، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

جبعی عاملی، زین الدین (۱۴۲۳ق)، الرعاية فی علم الدرایه، به تحقیق مرکز مطالعات اسلامی، قم: بوستان کتاب

- حجاج، مسلم (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
- حجت، هادی، (۱۳۸۸ش)، جوامع حدیثی شیعه، تهران: سمت.
- حسینی جلالی، محمد حسین (۱۴۲۵)، *درایه الحدیث*، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حقیقی، محمود (۱۳۶۶)، «مروری بر رده بندی نظری و رده بندی عملی»، *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۳۹.
- حمادی، عبدالرضا؛ طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۱ش)، «الکافی و گفتمان قم»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۶۶.
- خاکساری، محمد علی (۱۳۶۹)، *مقدمه مراتب العلوم*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- خوانساری، محمد باقر (۱۳۶۰)، *روضات الجنات*، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- دارقطنی، علی بن عمر (بی تا)، *سنن دارقطنی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- داودی، مهدی (۱۳۷۰)، «مقدمه‌ای بر جنبه‌های نظری رده بندی»، *فصلنامه کتاب*، دوره دوم، شماره ۱.
- سجادی، سید محمد صادق (۱۳۶۰)، *طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی*، تهران: کتابفروشی طهوری.
- شافعی، محمد بن ادريس (بی تا)، *الرسالة*، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: المكتبه العلمیه.
- صدر، سید حسن (بی تا)، *نهایه الدرايه*، تحقیق ماجد الغرباوی، قم: مشعر.
- طاش زاده کبری؛ احمد بن مصطفی (۱۴۰۵)، *مفتاح السعاده و مصباح السعاده فی موضوعات العلوم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طاهری عراقی، احمد (۱۳۵۸)، *رده بندی BP/اسلام*، تهران: مرکز خدمات کتابداری.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *الرجال*، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- همو، (۱۴۱۲ق)، *الفهرست*، نجف: مکتبه المرتضویه.
- عمیدی، ثامر هاشم حبيب (۱۳۷۲ش)، *الشیخ الكلینی البغدادی و کتابه الکافی*، قم: مکتب الإعلام الاسلامی.

- غاریاغدی، محمد حسین (۱۳۸۷ش)، البضاعه المزجاء فی شرح کتاب الروضه من الکافی، به کوشش حمید احمدی جلفایی، قم: دارالحدیث.
- غفار، عبدالرسول عبدالحسن (۱۴۱۶ق)، الکلبینی و الکافی، قم: دارالعلم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- همو، (۱۳۹۲ش)، الکافی، شرح و ترجمه محمد باقر کمرئی، تهران: منشورات المکتبه الاسلامیه.
- مارسلا، ریئا؛ ارتور، مالت بای، (۱۳۸۶ش)، رده بندی، ترجمه زهرا ابازری و فهمیمه باب الحوائجی، تهران: نشر چاپار.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق) مقیاس الهدایه فی علم الدراییه، به کوشش محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- معارف، مجید (۱۳۸۳ش)، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران: سمت.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- نصر، سید حسین (۱۳۵۰)، علم و تمدن در اسلام، تهران: نشر اندیشه.